

تولد پیامبر (ص) کام همه را شیرین کرد

جشن شیرینی پزان

۴

۲۵۴
کوله‌یشت
ضمیمه روزنامه شهر آرا ویژه کودکان مشهد
چهارشنبه ۱۲ شهریور ۱۴۰۴



یک کار خوب همیشگی

بعد از نام و یاد خدای خوب و مهربان که هرچه داریم از اوست، یک سلام گرم و صمیمی به همه شما دوستان پرپا قرص کوله پشتی که همیشه در کنار ما هستید و با ارسال پیشنهادهای و انتقادهای، ارسال مطلب، عکس و سوره‌های جالب کودک به شماره پیام رسان کوله پشتی ۰۹۰۵۴۶۵۸۰۶۰ همواره به کیفیت و بهتر شدن محتوا و فرم این نشریه کمک می‌کنید.

خب بچه‌های دوست داشتنی، خدا کند که مثل همیشه سالم و سرزنده و پرانرژی باشید و هر روزتان بهتر از دیروز و حال دلتان خوب باشد. این یک واقعیت است که انجام کارهای خوب، همیشه حال دلمان را بهتر می‌کند. دوستان عزیز! امروز می‌خواهیم درباره کار خوب، پسندیده و ارزشمندی که هیچ وقت تمام نمی‌شود و نتیجه عالی دارد و هم بزرگ‌ترها و هم کوچک‌ترها می‌توانند آن را انجام دهند، صحبت کنیم. حتماً می‌پرسید آن چه کاری است که خوبی و فایده و نتیجه‌اش هیچ وقت تمام نمی‌شود و ما بچه‌ها هم می‌توانیم آن را مثل بزرگ‌ترها انجام دهیم؟ الان برایتان می‌گویم.

وقتی شما یک کتاب به کتابخانه مدرسه‌تان هدیه دهید تا همه از آن استفاده کنند، زمانی که شما یک وسیله کوچک برای نمازخانه مدرسه یا آزمایشگاهتان هدیه دهید، اسم این کار وقف است. وقف یعنی بخشیدن وسیله یا دارایی از خود برای استفاده همگانی و یکی از کارهای ارزشمندی است که دین ما اسلام به آن سفارش کرده است.



طیبه ثابت

فهرست

پرش کانگورویی ۱۱
گل شب‌بو ۲۱
کلیه‌ی چوب بستنی ۳۱
جشن شیرینی پزان ۴۱
دو کتاب پرماجرا ۶۱
بگرد و کفشدوزک‌ها را پیدا کن ۷۱
شهر تمیز، شهر عزیز ۸۱
هنرم را به عزیزانم هدیه می‌دهم ۱۰۱
قوی، چابک، مخفی ۱۲۱
بهترین امین دنیا ۱۳۱
دوست خوب کتاب‌ها ۱۶۱

صاحب‌امتیاز:
شهر داری مشهد
مدیر مسئول:
سید میثم موسوی مهر
سرمدیر:
سید سجاد طلوع هاشمی
دبیر ضمانت:
ارژنگ حاتمی
دبیر کوله پشتی:
طیبه سادات ثابت
مدیر هنری:
سید هاشم دقیق
گرافیک و صفحه‌آرایی:
ملک جمعی
ویراستار:
طیبه غلام‌زایی

پست الکترونیک:
sabet@shahrara.com
نشانی سایت:
shahraranews.ir/fa/kids
پیام رسان روزنامه: ۰۹۰۵۴۶۵۸۰۶۰
نشانی: خیابان کوهسنگی
ابتدای کوهسنگی
دفتر مرکزی: ۵-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
داخلی مستقیم کوله پشتی: ۲۷۸
توزیع و امور مشترکین:
۵-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
داخلی ۴۷۱ و ۴۷۲



پرش کانگوروی

بچه های عزیز و پرانرژی سلام. امروز می خواهیم مثل یک کانگوروی ورزشکار بالا پریم!

برای یاد گرفتن این حرکت ورزشی آماده ای؟

اول مثل سربازها صاف بایست. بعد دست هایت را کنار بدنت بگذار و یک پرش خوشگل انجام بده و زانوهای کوچکت را بیاور بالا، انگار می خواهی بغلشان کنی.

می توانی دست هایت را هم باز کنی و زانوهارا بغل کنی.

یادت باشد وقتی پایین می آیی، آرام مثل پر قوروی زمین بنشینی.

دوباره پیر بالا! هربار که می پری، بلند بگو، یک دوسه!

این حرکت پاهایت را قوی می کند و مچ هایت را تقویت می کند تا پیچ نخورد و باعث می شود رشد قدی خوبی داشته باشی.

پیر و پیر کانگوروی کوچولو.





گل شب بو



عطرش شده یک باره
در خانه پراکنده
بومی کشم عطرش را
باشادی و با خنده

گل های قشنگش هست
خوش بو و سفید و ریز
زیباست اتاق من
با این گل روی میز

امشب دل من دارد
یک شادی کوچولو
یک عالمه گل داده
گلدان گل شب بو



تصویرگر: حامد غفاریان





کلبه‌ی چوب بستنی



وقتی بستنی می‌خورید، با چوب بستنی‌ها چه کار می‌کنید؟ آن‌ها را دور می‌اندازید؟ یا نه! به آن‌ها خوب نگاه کنید تا فکر تازه و نوینی به ذهنتان برسد. آفرین! با آن‌ها می‌توانید کاردستی‌های زیبایی مثل یک کلبه چوبی زیبا درست کنید. خب پس دست به کار شوید! ابتدا تعدادی از چوب بستنی‌ها را رنگ کنید. در فاصله‌ی خشک شدن، کلبه‌ای را روی مقوا و مستطیلی به طول نوزده و به عرض چوب بستنی بکشید. دور تمام قسمت کلبه و مستطیل را قیچی کنید. روی تمام قسمت کلبه و مستطیل را چوب بستنی بچسبانید. حالا نوبت آن رسیده که تمام قسمت‌های کلبه را به هم بچسبانید. روی مستطیل دیواره‌های کلبه را بچسبانید. برای سقف کلبه دو چوب بستنی رنگ شده را به شکل ۸ به دو طرف دیواره‌ی کلبه بچسبانید. باقی‌مانده چوب بستنی‌های رنگی دیواره خانه را تزئین کنید.



چی لازم داریم؟

چوب بستنی باریک

رنگ گواش

چسب چوب

قیچی

کارتون یا جعبه خالی





تولد پیامبر (ص) کام همه را شیرین کرد

جشن شیرینی پزان



دیگر هم برای پخت شیرینی به کمک بچه ها آمدند. حتی سعید برادر کوچک محبوبه هم برای کمک آمده بود. سعید به همراه چند تا از پسرهای مجتمع مسئول شکستن گردو و مغز کردن گردوها بود چون قرار بود شیرینی گردویی هم درست کنند.

زینب آرد ها را الک می کرد. سرتا پایش هم آردی و سفید شده بود. حتی مژه ها و ابروهایش. زهرا با کمک چند تا از مادرها خمیر را آماده می کرد و ورز می داد. مینا و چند تا از دخترها با قالب شیرینی خمیرها را به شکل های جورواجور در می آوردند. صبا خامه را هم می زد و عسل تکه های بزرگ شکلات را خرد می کرد تا با خمیر کیک و شیرینی مخلوط کنند. وسط کار هم تکه های شکلات را توی دهنش می گذاشت و با خنده می گفت: «به به، عجب شکلاتی! به به، عجب شیرینی و کیک! به به، عجب جشن شیرینی پزان باحالی!»

چند ساعت بعد، بوی کیک و شیرینی فضای مجتمع را پر کرد. رومیزی ها روی میزهایی که کنار هم وسط فضای سبز مجتمع گذاشته شده بود، پهن شدند و ظرف های کیک و شیرینی رنگارنگ یکی یکی روی میزها چیده شدند. بوهای خوش مزه که بلند شد، درهای واحدهای مجتمع یکی یکی باز شد و بچه ها و بزرگ ترها به سمت فضای سبز مجتمع به راه افتادند. خیلی زود دور میزها پر از جمعیت شد. دخترها با خوش حالی و با قیافه های پر از آرد و شکلات و خامه از مهمان ها پذیرایی می کردند. وسط پذیرایی از مهمان ها هم گاهی تکه ای کیک یا یک دانه شیرینی می خوردند و با خوش حالی می گفتند: «بفرمایید، بفرمایید نوش جان کنید. شیرینی جشن میلاد پیامبر (ص) است. کار دست خودمان است. تازه از فردرآمده اند. بهترین شیرینی هایی است که تا به حال خورده اید.»

همه جشن ها را دوست دارند مخصوصا اگر پای کیک و شیرینی هم در میان باشد. دخترها هم می خواستند یک جشن راه بیندازند. یک جشن پر از کیک و شیرینی های خوش مزه در روز تولد پیامبر. مینا گفت: «ما که بلد نیستیم چطوری شیرینی بپزیم!» عسل لبخندی زد و گفت: «مامان من شیرینی پختنش عالی است. می تواند کمکمان کند.» زهرا هم که سرش توی کتاب شیرینی پزی بود، آهسته گفت: «مادر بزرگ من هم شیرینی های خوش مزه ای می پزد. همین امروز به او زنگ می زنم تا برای کمک بیاید.» صبا آب دهانش را قورت داد و گفت: «جانمی شیرینی! من عاشق خامه و شکلات شیرینی ام. درست کردن خامه ی شیرینی را هم خیلی خوب یاد گرفته ام. من خامه درست می کنم.» زینب هم قول داد چند تا از قالب های شیرینی پزی مغازه قنادی عموییش را قرض بگیرد.

بچه ها با هیجان دور میز نشستند تا حسابی برای مراسم جشن شیرینی پزی مجتمع برنامه ریزی کنند. دلشان می خواست روز تولد پیامبر (ص) با یک میز بزرگ پر از شیرینی در حیات مجتمع از همه پذیرایی کنند. هر کسی چیزی گفت. هر کسی هم قبول کرد یک چیزی بیاورد. یکی همزن، یکی کاسه ی بزرگ، یکی قالب کیک، یکی میز برای پذیرایی. جلسه ی بچه ها که تمام شد و به خانه برگشتند، شور و شوقی در مجتمع به پا شد. همه می خواستند جشن بچه ها خیلی خوب برگزار شود. عصر همان روز چند تا از پدر و مادرها همراه بچه ها برای خرید وسایل پخت شیرینی به بازار رفتند و کلی شکر و مواد مخصوص پخت کیک و شیرینی خریدند.

صبح روز بعد، هنوز هوا روشن نشده بود که کار شروع شد. آقارضا، نگهبان مجتمع، مسئول تزئین فضای سبز و چیدن میزها شد. چند تا از باباها و بابا بزرگ ها هم کمکش کردند. مادر عسل و چند تا از مادرهای







دو کتاب پرماجرا



بچه های عزیز همان طور که می دانید دوست پیدا کردن کار ساده ای نیست، گاهی هر قدر هم که بگردی، کسی را شبیه خودت پیدا نمی کنی، اما شاید نکته همین باشد. گاهی دوست ها در شکل و چهره ای متفاوت از ما ظاهر می شوند.

فاطمه سرمشقی در کتاب «جوجه تیغی و درخت سیب»، داستان جوجه تیغی را می گوید به دنبال یک دوست مهربان است که او را از تنهایی در بیاورد، اما مشکلاتی به وجود می آید. در بخشی از این کتاب می خوانید:

خب اگر می خواهید بدانید چه مشکلاتی؟ بهترین کتاب را تهیه کنید و بخوانید. این کتاب برای کودکان ۷ تا ۱۰ ساله مناسب است.



**جوجه تیغی
و درخت سیب**
فاطمه سرمشقی
پرنده آبی
۱۴۰۲

لالایی های خانم کلاغه

مژگان شیخی
نشر علمی
فرهنگی
سال ۱۳۹۷



داستان این کتاب درباره آرزوی یک جوجه کلاغ است که چون هنوز کاملاً پرواز را یاد نگرفته توی لانه مانده است. او دوست دارد مادرش برای او لالایی بخواند تا حوصله اش سر نرود، اما مادر برای پیدا کردن غذا مجبورست مدتی را دور از خانه پرواز کند. در بخشی از این کتاب می خوانید: «خانم کلاغه که خسته بود صدایش را صاف کرد. به نظرش رسید صدایش دورگه و ناصاف است و به درد لالایی خواندن نمی خورد. او گفت: «قارقارک جان، بعضی از قسمت های این لالایی را فراموش کرده ام. ولی ناراحت نباش!» بچه ها به نظر شما ماما کلاغه چه کاری کند؟ حالا وقتش است که بقیه داستان را از روی کتاب بخوانید. این کتاب برای بچه های ۷ تا ۹ ساله مناسب است.



بگرد و کفشدوزک ها را پیدا کن

بچه های عزیز برای اینکه بتوانید کفشدوزک های زبروزرنگ را که در بین بوته های باغچه سبزی پنهان شده اند، پیدا کنید، باید دقت و سرعت و تمرکز داشته باشید. راستی تا یادم نرفته است این نکته مهم را بگویم که کفشدوزک، حشره مفیدی برای باغچه ها و گلدان هاست چون نمی گذارد که حشرات موزی و آفت ها سبزیجات شما را نابود کنند. حالا بادقت در تصویر زیر ۱۱ کفشدوزک را از باغچه پیدا کنید.



شهر تمیز، شهر عزیز

شرح بازی: برای این بازی به یک تاس و به تعداد بازیکنان مهره نیاز داریم.

بازی با تاس ۶ شروع می شود. برنده کسی است که زودتر مسیر را طی کند و به نقطه ی پایانی برسد. هدف این بازی آموزش نکاتی به کودکان است تا شهروندان بهتری باشند و بتوانند در پاک و تمیز بودن شهر کمک کنند. بچه ها بازی می کنند و یاد می گیرند چه چیزهایی شهر را زشت و کثیف و هوا را آلوده می کند و سعی می کنند از این چیزها دوری کنند.



عباسعلی سپاهی
یونسی

وزباله ی خشک
وزباله ی تر. آفرین که
حواسست به بازیافت هست
وزباله های خشک را در
طبیعت رها نمی کنی تا شهر
تمیز بماند. ۳ خانه برو
جلوتر.

و آفرین به تو که
وزباله ات را در سطل می اندازی
و خیابان را کثیف نمی کنی.
۴ خانه برو جلو.

وای، چرا آدامس جویید
خیابان انداختی؟ به زمین می
کثیف می کند. آدامس را از رو
۵ خانه به عقب برگرد و به خ

آفرین که همراه بابا جلوی خانه نهال
می کاری. این جوری کوچه سبز و زیبا می شود و
هوا تمیزتر می شود. از نردبان بالا برو.

چرا روی چمن رفته ای و داری گل های
پارک را لگد می کنی؟ فضای سبز شهر خراب
می شود و زنبورها عصبانی می شوند. ۵ خانه
عقب برگرد و به خانه ی ۱۱ برو.

پایان

آفرین که با ما
همراه بودی و یاد گرفتی
چطور مواظب شهرت
باشی. تو برنده شدی!



وای، چرا آدامس جویید
خیابان انداختی؟ به زمین می
کثیف می کند. آدامس را از رو
۵ خانه به عقب برگرد و به خ

وای، چرا آدامس جویید
خیابان انداختی؟ به زمین می
کثیف می کند. آدامس را از رو
۵ خانه به عقب برگرد و به خ

وای، چرا آدامس جویید
خیابان انداختی؟ به زمین می
کثیف می کند. آدامس را از رو
۵ خانه به عقب برگرد و به خ

وای، چرا آدامس جویید
خیابان انداختی؟ به زمین می
کثیف می کند. آدامس را از رو
۵ خانه به عقب برگرد و به خ

وای، چرا آدامس جویید
خیابان انداختی؟ به زمین می
کثیف می کند. آدامس را از رو
۵ خانه به عقب برگرد و به خ





چرا این قدر صدای ضبط ماشین بابا را زیاد کرده‌ای؟ کلی سروصدا راه انداخته‌ای. این آلودگی صوتی است. این سروصدا شهر را زشت می‌کند. زود ضبط را کم کن و به خانه‌ی ۳۹ برگرد.

شین همسایه دود می‌کند. من که به او گفتم ماشینش را دست‌نکند تا هوا آلوده نشود. ۲ خانه برو جلو.



دیوارهای شهر که جای نقاشی و یادگاری بچه‌ها نیست. حواست کجاست؟ یک بار تاس نریز و هرچه نوشته‌ای و کشیده‌ای را پاک کن.



باتاس فرد حرکت کن

ه. راتوی چسبد و شهر را ی زمین بردار و خانه‌ی ۲۷ برو.

آفرین که به بابا گفتم زباله را سر وقت بیرون بگذارد تا گربه‌ها کیسه را پاره نکنند و شهر کثیف نشود. از نردبان بالا برو.

باتاس ۶ حرکت کن.

چه خوب که در اتوبوس به دیگران می‌گویی مواظب صندلی‌های اتوبوس باشند. باید مواظب وسایل عمومی شهر باشیم تا شهرمان زیبا بماند. ۳ خانه برو جلوتر.

می‌خواهی بروی بیرون؟ آفرین که از بابا می‌خواهی ماشین برنذارد و با اتوبوس بروید. از نردبان همراه اتوبوس بالا برو.

شروع

اگر دوست داری یادگیری چطور شهری پاک و تمیز داشته باشی، با ما همراه شو تاس بریز و شروع کن.



گفت و گو با هنرمند کوچک:

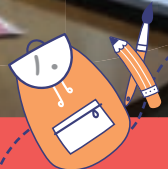
هنرم را به عزیزانم هدیه می‌دهم

بچه‌ها می‌دانید که هنرمندان تأثیر زیادی بر آرامش انسان‌ها دارند؟ این دنیای شلوغ و پرسر و صدا دارند؟
آرتین ظریفی، یازده ساله و دانش‌آموز پایه ششم دبستان سما ۳ است. او در کنار موفقیت‌های درسی‌اش در موسیقی و نقاشی هم بسیار موفق بوده و یک هنرمند واقعی است. با ما باشید تا از آرتین بیشتر بدانید.



آرتین جان لطفاً از هنرها و موفقیت‌هایت در این باره برایمان بگو.

فعالیت‌م در رشته موسیقی را از سال ۱۴۰۱ با گیتار آغاز و در سال ۱۴۰۳ با آموزش پیانو تکمیل کردم. در این میان آموزش رشته نقاشی را نیز از سال ۱۴۰۲ شروع کردم. استعداد هایم را خانواده‌ام کشف کردند اما پس از ورود به این هنرها خودم هم متوجه شدم که این هنرها حس خوبی به من می‌دهند و به عنوان مهارت انتخابشان کردم. نخستین بار در مسابقات نقاشی مدرسه شرکت کردم که شامل موضوعات مذهبی، بهداشتی و... بود و موفق به دریافت جایزه نفر اول شدم. سال پیش هم در مسابقات موسیقی در رشته گیتار رتبه اول ناحیه شدم و در رشته نقاشی هم رتبه دوم ناحیه را به دست آوردم. با کسب این موفقیت‌ها خیلی خوش شدم و برای تلاش بیشتر انگیزه پیدا کردم. معمولاً وقتی خیلی شاد یا غمگین می‌شوم با نقاشی کشیدن و پیانو زدن حال‌م را خوب می‌کنم.



هم نوازی شرکت داشته‌ام و در جشن‌های مدرسه هم ساز می‌زنم. از هنرمندان قدیمی، برای فعالیت‌هایم الگو برمی‌دارم و در حوزه موسیقی آثار استاد شجریان را خیلی دوست دارم.

درباره هنر موسیقی ات توضیح بده.

از میان سازها، صدای گیتار و پیانو را از بقیه بیشتر دوست دارم، موسیقی پاپ و کلاسیک را می‌پسندم و روزانه یک تا دو ساعت برای یادگیری آن‌ها وقت صرف می‌کنم. در گروه‌های



گفتی نقاشی هم می‌کنی؟

بله، نقاشی کشیدن واقعا حال مرا خوب می‌کند. در نقاشی، تکنیک مداد رنگی و سبک کویسم و رئال را دنبال می‌کنم و الگوی کارهایم را از آثار نقاش‌های معروف و طبیعت و اشیاء و چهره برمی‌دارم. دوره مداد رنگی را به صورت حرفه‌ای تمام کرده و در حال یادگیری طراحی با مداد سیاه قلم و آبرنگ از طریق ویدئوهای آموزشی در خانه هستم.

به عنوان هدیه تولد، چهره خاله و دختر خاله و پدر بزرگم را کشیده‌ام و به آن‌ها هدیه داده‌ام. به استادانم هم نقاشی «شب پرستاره» اثر ونگوگ را کشیده و هدیه داده‌ام. بیشتر دوست دارم از طبیعت بی‌جان نقاشی بکشم و هر نقاشی بسته به موضوع آن تقریباً سه تا چهار روز زمان لازم دارد.

از سایر موفقیت‌هایت هم برای بچه‌ها بگو.

به شنا هم علاقه مند و این رشته ورزشی را آموزش دیده‌ام، در حافظ خوانی نیز رتبه دوم ناحیه را کسب کرده‌ام.

درس خیلی خوب است و دوست دارم در مدرسه تیزهوشان قبول شوم و در آینده فرد تحصیل کرده و موفق باشم. در جشنواره جابر بن حیان هم مقام آورده‌ام و جایزه گرفته‌ام. برای این جشنواره، یک سال چراغ قوه ساختم و سال بعد یک لباس شویی که در نمایشگاه به نمایش گذاشته شد. یک مرتبه دیگر هم با مواد بازیافتی خودرو درست کردم.

برای آینده چه نقشه‌هایی داری؟

قصد دارم تلاشم را برای موفقیت بیشتر کنم تا به نتیجه‌ای که می‌خواهم برسم و در کنسرت‌های معروف ساز بزنم. در آینده موسیقی‌دان شوم و به دیگران هم هنرم را آموزش دهم، البته آهنگ‌سازی را نیز دوست دارم.

از آنچه تاکنون یاد گرفته‌ام فهمیده‌ام که هنر واقعا در بهتر شدن حال زندگی ما تأثیرگذار است.

به دوستانم هم می‌گویم برای رسیدن به آنچه که واقعا دوست دارند تلاش و استعداد‌های خود را زودتر کشف کنند.

از پدر و مادرم و استادان عزیزم، استاد ادیب، خانم آیتی، آقای یگانه، خانم اسدزاده و خانم‌ها عسکری و مکاریان که در پیشرفت من تأثیر زیادی داشته‌اند قدردانی می‌کنم. امیدوارم به جایگاهی که دوست دارم برسم و به جز خودم، همه‌ی عزیزانی که تلاشی برای من کرده‌اند هم شاد شوند.



قوی، چابک، مخفی

دنیا پر از آفریده های زیبا، عجیب و گاهی ناشناخته است. می خواهیم برای شما دانستنی های جالبی از زندگی جانوران بومی و غیربومی کشورمان بگوییم. در این شماره پلنگ ایرانی را معرفی می کنیم.



نام

پلنگ ایرانی

نام علمی: *Pantherpardus saxicolor*
نام انگلیسی: North Persian Leopard

رده

پستانداران

راسته

گوشتخواران

خانواده

گره سانان

لانه

بیشتر در غارها، شکاف صخره ها، زیر درختان انبوه یا بین بوته ها لانه دارد.

تغذیه

از قوچ و میش، کل و بز وحشی، شوکا، مرال، گراز تغذیه می کند.
در نبود طعمه های بزرگ، خرگوش، جوجه تیغی، روباه، پرنده گان و جوندگان را می خورد.

پراکندگی در ایران

رشته کوه البرز (از گلستان تا قزوین و مازندران و تهران)
رشته کوه زاگرس (کردستان، لرستان، چهارمحال، فارس و کهگیلویه و بویراحمد)
خراسان شمالی، رضوی و جنوبی

کرمان، یزد، هرمزگان، سیستان و بلوچستان (بخش های کوهستانی)

حضور او در جنگل های شمال ایران نیز پررنگ است.

پراکندگی در کشورها

قفقاز

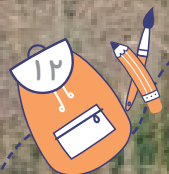
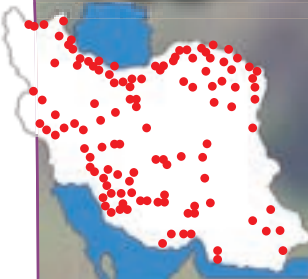
(ارمنستان، آذربایجان، گرجستان)

ترکیه شرقی

ترکمنستان

بخش هایی از افغانستان

و احتمالاً پاکستان





ویژگی های ظاهری

● جثه ای بزرگ، بدنی عضلانی و قابل انعطاف، سری پهن، گوش هایی کوچک و گرد دارد.

● موهایی نرم و کوتاه که در مناطق سردسیر بلندترند.

● **رنگ:** رنگ موهای پشت سفید تا کرم متمایل به نارنجی، زیر بدن کرم متمایل به خاکستری است.

● سطح پشت و پهلوها خال های تو خالی شبیه گل و در سر، گردن، روی دست و پاها و زیر بدن خال های توپر دارد.

● **وزن نرها:** ۶۰ تا ۹۰ کیلوگرم
(گاهی بالای ۱۰۰ کیلوگرم)

● **وزن ماده ها:** ۳۵ تا ۶۰ کیلوگرم

● **طول بدن:** ۱۱۰ تا ۱۸۰ سانتی متر

خصوصیات رفتاری

● قلمرو طلب است.

● در استتار بسیار ماهر است.

● بیشتر شبگرد است ولی در مناطق امن، روزها هم فعال می شود.

● شنوایی و بینایی قوی دارد و در شکار کمین می کند و با پرش ناگهانی طعمه را می گیرد.

● شناگر و درخت نورد خوبی است.

● می تواند ۶ متر به صورت افقی و ۳ متر به حالت عمودی بپرد.

عمر زندگی

۱۴ تا ۱۹ سال

وضعیت حفاظت

در معرض خطر

تولید مثل

● طول بارداری: حدود ۳ ماه

● تعداد توله ها: معمولاً ۲ تا ۴ توله

● توله ها تا ۳ ماهگی شیر می خورند.

● توله ها تا ۱۲ یا ۱۸ ماهگی با مادر می مانند.



بهترین امین دنیا



۱۷ ربیع الاول سالروز تولد پیامبر مهر و دوستی، حضرت محمد (ص) است. برای همین همه ساله مسلمانان سرتاسر جهان این روز را جشن می‌گیرند. بچه‌های عزیز آیا تا به حال فکر کرده‌اید که علاوه بر مسلمانان چرامردم ادیان دیگر هم پیامبر را دوست دارند؟ بله روشن است. اخلاق و گفتار و کردار خوب پیامبر (ص) باعث شده است که صفت «اسوه حسنه» را به او بدهند و همه مردم دنیا بعد از شناختن ایشان او را دوست بدارند. حضرت محمد (ص) بهترین الگو در زندگی همه‌ی انسان‌هاست. همان‌طور که می‌دانید یکی از لقب‌های حضرت محمد (ص) «امین» است. امین یعنی کسی که خیلی درست‌کار و راست‌گوست و همه به او اعتماد دارند. ما هم باید از پیامبر عزیزمان یاد بگیریم و در زندگی مان همیشه مثل او امین باشیم.



۲
امان از
حواس پرتی!
درست میگی
پسر. ممنونم
که گفتی.

۱
فکر می‌کنم اشتباه
حساب کردین. من الان حساب
کردم دیدم ده هزار تومن
کم گرفتین.



۱
چه نقاشی قشنگی شده.
آفرین. این مازیک اکلیلی رو
نداشتی مال کیه دخترم؟

۲
امروز تو
کلاس نقاشی زیر
میز افتاده بود. کسی
هم نمی‌دونست مال
کیه. من ازش استفاده
نکردم چون می‌خواهم
صاحبش رو پیدا
کنم.

۳
آفرین
دخترم.
مازیک رو بده
به مربی‌تون تا از
بچه‌ها بپرسه
ببینه مال کیه.



۱
چی شده پسرم؟
مشکلی داره؟

۲
اسکوتره پیمان.ه. ازش
گرفتم بازی کنم. چرخش
شکست. البته زیاد معلوم نیست.
فکر نکنم متوجه بشه.

۳
بذار ببینم
چی شده. اگه
شکسته که باید
بهش بگی. وقتی
چیزی از کسی
می گیری باید صحیح
و سالم تحویل
بدی.

۴
آره درست
می گین.
باید مواظب
بودم.....

۴
نه دخترم نیازی
نیست. بده خودم
درستش می کنم. شما
هم توپله ها بدوید و
نکته خطرناکه.

۵
چشم
دیگه
نمی دویم.

۲
نه نباید فرار کنیم.
بذار من الان گلدون رو
برمی دارم.

۳
بیخشید
سیمماخانم، پای
خواهرم خورد به
گلدونتون افتاد. اگه
بخواین می برم مامانم
براتون درستش
کنه.

۱
ای وای گلدون
سیمماخانم ایناست. حالا چیکار
کنیم؟ سارا زود باش فرار کنیم
بریم تا نفهمیدن.



دوست خوب کتاب‌ها



یادش به خیر! بچه‌ها انگار همین دیروز بود که می‌خواستیم با هم برای سه ماه تعطیلی تابستان برنامه‌ریزی کنیم که از وقت با ارزشمان درست استفاده کنیم. حالا در هفته‌های پایانی شهریور هستیم. با یک نگاه کوتاه به دوروبرتان، زود متوجه می‌شوید که به تابستان در حال رفتن است و خوش به حال بچه‌هایی که توانستند از تابستان سخاوتمند و روزهای تعطیلات بلندش به خوبی استفاده کنند و مهارت‌های زندگی و کارها و هنرهای خوب یاد بگیرند. به سراغ یکی از این بچه‌های خوش اخلاق و مسئولیت‌پذیر شهرستان رفته‌ایم که هم در درس و هم در خانواده و دوستی و اخلاق مثال‌زدنی است.

اسم این دختر خوب، مهرسا وهابی است. مهرسا دانش‌آموز پایه سوم مدرسه شمس توس است.



مهرسا - از سال پیش با اجازه مادرش - اتاقش را خودش مرتب و تمیز می‌کند. چون عقیده دارد اگر از بچگی روحیه همکاری نداشته باشیم، هیچ تجربه و تمرینی برای زندگی به دست نمی‌آوریم و در آینده حتماً دچار مشکل می‌شویم. تابستان امسال هم فرصت خوبی بود که او مهارت‌های تازه‌ای را در کنار مادرش یاد بگیرد.





کتاب خواندن یکی از علاقه مندی های اصلی مهرساست. او در طول تعطیلات توانسته است تعداد سی کتاب خوب بخواند. کتاب هایی با موضوع های زندگی نامه افراد بزرگ، تاریخ و کتاب هایی که به سؤالات کودکان درباره جهان و انسان پاسخ می دهد. مهرسا می گوید: بهترینش کتاب «من البرت انیشتین هستم» بوده است.



از آنجایی که بچه ها در کارهایی که دوست دارند، مثل ساعت، دقیق هستند، مهرسا هیچ وقت در روز آب دادن به گل های گلدان های خانه شان را فراموش نمی کند.



از علاقه مندی هایی که مهرسا در این تابستان برایش حسابی وقت گذاشته است، شیرینی پختن کنار مامان، رفتن به کلاس های نقاشی و آموختن روش های نقاشی آبرنگ و مدادرنگی و طراحی و کلاس موسیقی است.



مهرسامی گوید: من همیشه از فکر کردن لذت می برم. همیشه درباره این جهان و موجودات و کهکشان ها فکر می کنم. همیشه لب پنجره رو به آسمان از خدا به خاطر وجود پدر و مادر عزیزم و همه نعمت هایش تشکر می کنم. آرزو می کنم در آینده در دانشگاه فردوسی مشهد روان شناسی بخوانم و استاد بشوم.

باتشکر از عکاس محترم
مامان مهرسا



تصویرگر: زهره افطاعی